

## آثار تربیتی اجتماعی پایبندی به اخلاق توسط مدیران در دیدگاه

امام علی<sup>(ع)</sup>

### چکیده

پایبندی به اخلاق در همه عرصه ها بویژه در عرصه مدیریتی و اداره امور جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. در آموزه های دینی و مخصوصاً در سنت و سیره امام علی<sup>(ع)</sup> که خود الگو و اسوه کامل در اخلاق مدیریتی است تأکیدات فراوانی بر رعایت اخلاق برای مدیران و زمامداران دارد. اخلاق مداری مدیران و زمامداران آثار و نتایج تربیتی و اجتماعی فراوانی داشته و منجر به رشد و شکوفایی جامعه به شکل های گوناگون می گردد. پژوهش پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی درصدد بررسی آثار تربیتی و اجتماعی اخلاق مداری مدیران و زمامداران از منظر سنت و سیره علوی است. برخی از مهمترین این آثار عبارتند از: افزایش روحیه نشاط و امید به زندگی، افزایش رفاه و رشد اقتصادی، گرایش بیشتر مردم به دینداری، اعتدال در گفتار و رفتار، مدیریت مبتنی بر ایثار، احساس مسؤولیت و وظیفه نسبت به مردم، شفاف بودن با توده مردم و ولی نعمت دانستن آنها، جانب حق را در همه امور رعایت کردن، اعتمادسازی در بین مردم، به عهد و شعارهای خود عمل کردن، خود کنترلی و خود مدیریتی، رازداری و اجتناب از افشای اسرار دیگران، پرهیز از رفتارهای متکبرانانه و خشونت آمیز، اجتناب از منت نهادن و تحقیر نمودن دیگران، پرهیز از مردم گریزی، دوری جستن از سوء ظن نسبت به مردم و پرهیز از افراط و تفریط در اداره امور جامعه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۸

از صفحه ۱۱۷ تا صفحه ۱۳۴

### محمد عبداللہی دهکی

کارشناس ارشد، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی<sup>(ع)</sup>، قزوین  
abdollahiikiu@gmail.com

### محمد مولوی

دانشیار، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی<sup>(ع)</sup>، قزوین، نویسنده مسئول  
molavi@isr.ikiu.ac.ir

### واژگان کلیدی:

اخلاق، تربیت، مدیر، امام علی<sup>(ع)</sup>، آثار تربیتی، آثار اجتماعی.

## ۱. بیان مسئله

یکی از عوامل رشد و شکوفایی استعداد‌های انسان در عرصه‌ی کار، عمل بر پایه‌های اخلاق اداری است. رعایت اخلاق اداری و سازمانی به انسان احساس تعالی می‌بخشد و همین احساس تعالی در مناسبات انسانی با دیگران به شدت تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، با شکسته شدن مرزهای اخلاق، همه‌ی حریم‌ها می‌شکند و انسانیت انسان فرومی‌ریزد. این موضوع در امور اداری جایگاه خطیر و ویژه‌ای دارد؛ زیرا هنگامی که انسان از محدوده‌ی فردی خارج می‌شود و در پیوند با دیگر انسان‌ها قرار می‌گیرد و صورتی اداری و سازمانی می‌یابد، اگر اخلاق نیک بر روابط وی با دیگران حاکم نباشد، آثار سوء آن چندین برابر می‌شود؛ از سوی دیگر، متخلق بودن به اخلاق والای انسانی در حیطه‌های فردی و اجتماعی، آثار تربیتی و اجتماعی در دیگران و در اداره‌ی امور سازمان و در نهایت، در پیشبرد جامعه به بار می‌آورد.

در اندیشه‌ی امام علی<sup>(ع)</sup>، توجه به ابعاد و آثار تربیتی اخلاق‌مداری مدیران به شکل‌های گوناگون در گفتار، رفتار، خطبه‌ها و نامه‌های امام به فرمانداران و والیان تجلی می‌یابد. دقت در کاربرد واژه‌ها و اصطلاحاتی همچون «صبر و حلم»، «احسان»، «امانت‌داری»، «رفق و مدارا»، «تواضع»، «حیا»، «جود و بخشش»، «زهد و به دنیا دل نیستن» و... از جمله آثار تربیتی اخلاق‌مداری مدیران والیان از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup> است. امام علی<sup>(ع)</sup> در سفارش به مالک اشتر، این مسئله را یادآوری می‌کند و می‌فرماید: «ای مالک! در کارگزاران خویش بیندیش و پس از آزمودن به کارشان بگمار...؛ از کسانی که اخلاق آنان گرمی‌تر، آبرویشان محفوظ‌تر، طمعشان کمتر و عاقبت‌نگری‌شان فزون‌تر است [استفاده کن]» (سید رضی، نامه‌ی ۵۳). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، امام<sup>(ع)</sup> بر رعایت اخلاق از سوی مدیران تأکید کرده است. بدین منظور، ایشان در جای دیگری به مالک سفارش می‌کند که تنها کسانی که اخلاق صالح دارند، اجازه داشته باشند از اسرار حکومتی آگاه شوند (همان). از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup>، اخلاق اداری مطلوب هنگامی سازمان می‌یابد که کارکنان نظام اداری به مردمان از دیدگاهی درست بنگرند و خود را کارگزار، وکیل و خدمت‌گزار مردمان ببینند. در این صورت است که اخلاق سازمانی مطلوب ظهور می‌یابد (همان، نامه‌ی ۵۱). چنین اخلاقی است که در میان مردم نتایج تربیتی خواهد داشت. خطرناک‌ترین آفت اخلاق اداری و سازمانی این است که کارگزاران و کارکنان نظام اداری، مردمان را از خود فروتر بدانند و خود را بر آنان مسلط ببینند و در اداره‌ی امور، خود را فرمانروا تصور و اراده‌ی فرمانروایی کنند (همان، نامه‌ی ۵۳). با توجه به اهمیت مسئله و ضرورت نشر معارف و آموزه‌های علوی، این پژوهش بر آن است تا آثار و پیامدهای تربیتی اجتماعی اخلاق‌مداری مدیران را از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup> تحلیل و تبیین نماید.

پرسش اصلی پیش روی مقاله این است که از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup>، چه آثار و نتایج تربیتی اجتماعی برای مدیران اخلاق‌مدار در رفتار و تعامل با مردم بیان شده است؟ از این رو، این پژوهش درصدد است تا به تبیین آثار تربیتی اجتماعی اخلاق‌مداری مدیران، به‌ویژه در حوزه‌ی تعامل با مردم، در عرصه‌های گوناگون مدیریتی بپردازد.

## ۲. پیشینه‌ی پژوهش

محققان و پژوهشگران برای تبیین اندیشه‌ها و آموزه‌های امام علی<sup>(ع)</sup>، از دیدگاه‌های گوناگون آثار فراوانی را خلق کرده و گوشه‌هایی از علوم بیکران دریای معرفت علوی را نمایان ساخته‌اند. درباره‌ی مسئله‌ی پژوهش حاضر نیز کم‌وبیش آثاری تدوین یافته است. میرزاده درزی در مقاله‌ی «اخلاق مدیران» (۱۳۹۵)، موضوع «اخلاق مدیران» از نگاه قرآن و روایات را بررسی کرده است. نویسنده معتقد است اخلاق مدیران به دو نوع «صفات درونی» و «رفتارها» تقسیم می‌شود. «تقوا»، «بی‌توجهی به دنیا»، «پرهیز از مقام‌پرستی»، «حلم و صبر» و «شرح صدر» نمونه‌هایی از نوع اول، یعنی صفات درونی است که مدیران باید به آنها مزین باشند. نوع دوم، یعنی رفتارها، به دو دسته‌ی رفتارهای فردی و رفتارهای اجتماعی تقسیم می‌شود. «تواضع»، «امانت‌داری» و «صدافت» از دسته‌ی رفتارهای فردی و «اخلاق خوش»، «گذشت و مدارا» و «مشورت» از دسته‌ی رفتارهای اجتماعی مدیران است. نویسنده در این مقاله، تنها صفات درونی و رفتارهای یادشده را به علت نقش ویژه‌شان در سامانه‌ی مدیریت اسلامی بررسی کرده است. در دیدگاه انصاری در مقاله‌ی «اصول اخلاقی مدیران و دیدگاه امام رضا» (۱۳۹۹)، اخلاق ستون و ساختمان مدیریت است. ائمه‌ی ما در اخلاق مدیریتی پیش‌تاز بوده‌اند که با استناد به سخنان و روایاتشان، اهمیت اخلاق در مدیریت آشکار می‌شود؛ بنابراین، موضوع این نوشتار، مؤلفه‌های اخلاقی مدیران در نظام اسلامی و سیره‌ی امام رضا<sup>(ع)</sup> و هدف آن، بررسی لوازم و نیازمندی اخلاقی مدیران در این نظام است. اخلاق، مدیریت و شرایط بقا، مدیریت در فرهنگ علوی، صلاحیت اخلاقی مدیران و اصول اخلاقی آن از جمله عناوین این نوشتار است. نکویی‌مقدم و بهشتی‌فر در «اخلاق مدیریت از دیدگاه اسلام» (۱۳۸۷)، علل ناهنجاری‌های موجود در مدیریت و تأثیر اخلاق در دفع ناهنجاری‌ها را تحلیل کرده‌اند. از دید نویسندگان مقاله‌ی یادشده، پیدایش ناهنجاری‌های اخلاقی در سازمان چندین علت اساسی دارد؛ از جمله: نداشتن احساس مسئولیت، فقدان باورهای اخلاقی، نبود وجدان کاری، پایین‌بودن به تعهدات خود در برابر سازمان، حاکمیت ارزش‌های مادی در برابر ارزش‌های معنوی و... آنان معتقدند همان‌طور که قدرت عقلانی و فکری برای مدیران لازم است، فزونی اخلاق و ارزش‌های انسانی و اسلامی نیز ضروری است و مدیران باید بیش از دیگران، اخلاق اسلامی را رعایت کنند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود این مقالات و بسیاری دیگر که محققان و پژوهشگران آنها را به‌صورت پراکنده نگاشته‌اند، اخلاق مدیران را به‌صورت کلی بر اساس آموزه‌های اسلامی تحلیل کرده‌اند؛ اما صرفاً از نگاه امام علی<sup>(ع)</sup>، آن‌هم درباره‌ی آثار و پیامد موضوع بررسی نشده است. رنجبر در مقاله‌ی «اخلاق سیاسی از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup>» (۱۳۸۲)، به تبیین رابطه‌ی اخلاق و سیاست پرداخته و تلاش کرده است تا مبانی فکری و وجوه گوناگون «اخلاق سیاسی» از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup> را تبیین کند. مولوی نیز در پژوهش «اصول و مبانی اخلاقی سیاست در دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup>» (۱۳۹۵) نشان داده است که از دید امام علی<sup>(ع)</sup>، سیاست باید تابع اخلاق باشد. در دیدگاه امام<sup>(ع)</sup>، سیاست مبتنی بر اخلاق اصولی دارد که رعایت آنها، پیشرفت جوامع را به ارمغان می‌آورد. برخی از این

اصول عبارت‌اند از: رعایت عدالت و انصاف میان مردم، پرهیز از دنیادوستی و دنیاپرستی، رعایت رفق و مدارا در رفتار با مردم، تناسب مقام‌ها با توجه به میزان برخورداری از فضایل اخلاقی، حاکم کردن اخلاق بر سیاست، وفاداری به پیمان و شعارهای حکومتی، برخورد صادقانه با مردم و پرهیز از فریبکاری با آنان. آشکار است که محور این مقالات، ناظر به حوزه‌ی ویژه‌ای از اخلاق یعنی رابطه‌ی اخلاق و سیاست است. در کتاب‌ها و مقالات دیگر نیز، کم‌وبیش «اخلاق در مدیریت» از دیدگاه امام علی بررسی و کاوش شده است؛ اما مشخصاً درباره‌ی پیامدهای تربیتی و اجتماعی اخلاق‌مداری مدیران کمتر کار شده است.

برخی از پایان‌نامه‌هایی که کم‌وبیش با مسئله‌ی پژوهش حاضر مرتبط است؛ عبارت‌اند از: الف. «تأثیر اخلاق حاکمان و مدیران بر اخلاق شهروندان در شکل‌گیری عدالت اجتماعی (از منظر نهج‌البلاغه)» (۱۳۹۳)؛ پیروزی در این پایان‌نامه، اصول و مبانی عدالت اجتماعی از منظر نهج‌البلاغه، ویژگی‌های اخلاق فردی و مدیریتی کارگزاران عادل در نهج‌البلاغه، اصول تربیت اجتماعی و تأثیر اخلاق کارگزاران عادل بر اخلاق شهروندان و جامعه را بررسی کرده است. ب. پورمیسور در پایان‌نامه‌ی «مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای مدیران در حکومت علوی» (۱۳۹۲)، به تبیین اصول اخلاق فردی مدیر در ارتباط با خدای متعال، در ارتباط با خود، در ارتباط با کارگزاران و در ارتباط با مردم پرداخته است.

ج. «تأثیر شاخصه‌های اخلاقی بر عملکرد مدیران با رویکرد نهج‌البلاغه» (۱۳۹۲) از بلاغت نیا؛ هدف این پژوهش، مطالعه‌ی موردی تأثیر شاخصه‌های اخلاقی عملکرد مدیران بر کارکنان آستان مقدس حضرت معصومه (س) است.

د. «نقش اخلاق در مدیریت از دیدگاه نهج‌البلاغه» (۱۳۹۱) از حسینی خرمی؛ در این پایان‌نامه، پس از تأکید بر رعایت اخلاق در همه‌ی حوزه‌ها و معرفی مختصر هر یک از این حوزه‌ها، به تبیین آفات و آسیب‌های مدیریت در حوزه‌های اخلاقی و اجرایی پرداخته؛ اما به آثار تربیتی و اجتماعی اخلاق‌مندی مدیران پرداخته است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این پژوهش‌ها، کمتر به آثار و پیامدهای تربیتی و اجتماعی اخلاق‌مداری مدیران توجه شده است؛ بنابراین، در این پژوهش، به تبیین آثار و پیامدهای تربیتی و اجتماعی اخلاق‌مداری مدیران پرداخته می‌شود.

### ۳. مفهوم‌شناسی

هر پژوهش مبتنی بر مفاهیم و اصطلاحاتی است که برای فهم مسئله‌ی پژوهش، باید به‌طور کامل تبیین شوند. در ادامه، به تبیین و تشریح مهم‌ترین اصطلاحات پژوهش، به‌طور خلاصه و شفاف پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱. اخلاق

واژه‌ی اخلاق از نظر لغوی، از ریشه‌ی «خ ل ق» گرفته شده و در اصل، ریشه‌ی دو واژه‌ی «خَلَق» و «خُلِق» یکی است؛ مانند شَرِب و شُرِب و صَرَم و صُرِم (قطع کردن و بریدن)؛ اما کلمه «خَلَق» ویژه‌ی

اشکال، اجسام و صورت‌هایی است که با حواس درک می‌شود و «خلق» ویژه‌ی قوا و سجایایی است که با فطرت و دیده‌ی دل درک می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۳۵). در تعریف اصطلاحی واژه‌ی اخلاق نیز، دانشمندان علم اخلاق آرای گوناگونی ارائه کرده‌اند؛ برای نمونه، جاحظ آن را حالتی از نفس می‌داند که کارها و اوصاف انسان را بدون قصد و توجه بروز می‌دهد (جاحظ، ۱۴۱۰، ص ۱۲). در تعریف دیگر، ابن مسکویه نیز هم‌نظر با سخن جاحظ، اخلاق را حالتی برای نفس انسان می‌داند که او را به رفتارهایش سوق می‌دهد، بی‌آنکه فکر و تأمل کند (ابن مسکویه، بی‌تا، ص ۵۱). در حقیقت، اخلاق ناظر به خوی‌های درونی افراد است که به رفتار بیرونی اشخاص منجر می‌گردد؛ به عبارتی، دیگر ملکه‌ی وجودی انسان است که به‌وسیله‌ی آن، باطن فرد مشخص و اعمال ظاهری با توجه به آن شکل می‌گیرند (نراقی، ۱۳۸۹، ص ۵۰-۵۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۴۹، ص ۵۴). گفتنی است که اخلاق فردی بن‌مایه و زیربنای اخلاق اجتماعی است و تا زمانی که فردی مزین به اخلاق فردی نباشد، آراستگی به اخلاق اجتماعی برای وی سخت و بلکه ناممکن خواهد بود.

اهمیت اخلاق‌مداری مدیران چنان است که خداوند یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت پیامبران خود را متصف و متخلق بودن به اخلاق و نرم‌خویی با مردم معرفی کرده است تا جایی که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را در قرآن، با صفت نرم‌خویی ستوده و علت پیشبرد کار و تبلیغ وی را همین اخلاق نرم وی دانسته است (آل عمران: ۱۵۹؛ قلم: ۴؛ حجر: ۸۸؛ اعراف: ۱۹۹).

### ۳-۲. مدیریت

مدیریت در لغت، از ریشه‌ی «دور» به معنای گرداننده و دوردهنده گرفته‌شده است. از نظر جوهری، دیرانی یعنی صاحب دیر و مردی که رئیس اصحاب خودش باشد، از این واژه مشتق شده است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۶۱). راغب اصفهانی واژه‌ی «دار» را که در بردارنده‌ی دیوار و حصار در اطراف آن است، از همین واژه دانسته و مرتبط با آن معرفی کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۲۱). مدیر نیز به معنای کارگردان، گرداننده و دوردهنده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۵۶۱) که مکان و محدوده‌ی مشخصی را بتواند اداره کند؛ همچنین واژه‌ی مدیریت به معنای مجموعه‌ای از آگاهی‌های شکل‌یافته برای ایجاد هماهنگی در یک سازمان به‌منظور باروری بهتر برنامه‌ها و نیل به هدف‌های مطلوب است (عسکریان، ۱۳۸۰، ص ۹۱). مدیریت مبتنی بر اخلاق - که مسئله‌ی پژوهش حاضر نیز هست - مدیریتی است که در جامعه‌ی اسلامی، زمینه‌ی رشد انسان به‌سوی الله را مطابق کتاب، سنت، سیره‌ی پیامبر<sup>(ص)</sup>، امامان معصوم<sup>(ع)</sup> و نیز دستاوردهای علوم و فنون و تجارب بشری فراهم کند (تقوی، ۱۳۶۸، ص ۲۰).

### ۴. عرصه‌های اخلاق‌مداری مدیران در بیان امام علی<sup>(ع)</sup>

در اندیشه و منظومه‌ی فکری امام علی<sup>(ع)</sup>، مدیر باید در همه‌ی عرصه‌ها اخلاق را رعایت کند و از این راه، رضایت خداوند و رضایت‌مندی عمومی را به‌دست آورد. در این میان، برخی عرصه‌ها و زمینه‌ها از اهمیت بالاتری برخوردار است و یا در چشم مردم نمود بیشتری دارد. در ادامه، به برخی

از مهم‌ترین عرصه‌های اخلاق‌مداری مدیریتی از نگاه امام علی<sup>(ع)</sup> پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱-۱. عرصه‌های اخلاق اقتصادی مدیر از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup>

##### ۴-۱-۱-۱. زندگی ساده و بی‌تکلف

امام علی<sup>(ع)</sup>، به‌عنوان الگوی اخلاق، نه تنها در حوزه‌های فردی بلکه در همه‌ی عرصه‌های حکومتی و مدیریتی سرآمد بودند. حوزه‌های مالی و اقتصادی یکی از این عرصه‌ها است که می‌تواند بر دیگر عرصه‌ها تأثیر مستقیم بگذارد و رعایت اخلاق در آن حوزه، به نتایج قابل‌مشاهده و آنی در زندگی مردم منجر شود. بی‌شک اخلاق‌مداری در موضوعات مالی و اقتصادی، از دیگر عرصه‌ها سخت‌تر و در مقابل، نتایج آن شیرین‌تر و در زندگی عموم مردم تأثیرگذارتر است؛ از این‌رو، علی<sup>(ع)</sup> برای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه‌ی ثروت‌اندوز و دنیاطلب آن روز کوفه، کار را با تکیه بر تحقق عدالت اقتصادی آغاز و با هدف بازگرداندن اعتماد عمومی به دولت اسلامی، به‌وسیله‌ی توجه ویژه به محرومان و مستضعفان، به حذف شکاف طبقاتی موجود در جامعه اقدام کردند.

علی<sup>(ع)</sup> با این اقدام، درصدد تحقق چند هدف بودند: نخست آنکه فقر مطلق از بین برود و تعادل و توازن میان اقشار گوناگون اجتماعی برقرار شود؛ سپس ملاک میزان بهره‌مندی افراد جامعه از درآمد، رفاه و امکانات موجود بر اساس تلاش افراد سرزمین اسلامی تعیین گردد تا به این ترتیب، دست گروه‌های سودجو و امتیازطلب از حق ملت قطع شود (دیرباز، ۱۳۸۰، ص ۱۷). علی<sup>(ع)</sup> با برقراری عدالت اقتصادی، علاوه بر تزکیه‌ی باطنی و توجه به ضعفا و مستمندان، اتحاد و برادری میان دولت و ملت را در جامعه‌ی نزدیک به فروپاشی آن روز کوفه نشانه گرفته بودند (زرقا، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲-۱۱۱)؛ زیرا اگر زمامدار جامعه مراقب اعمال و رفتار کارگزاران خود نباشد، امکان سوءاستفاده از منصب و خیانت و فساد پیش می‌آید و این عاملی است تا با بی‌عدالتی و ظلم و ستم، مردم جامعه نسبت به حکومت بدبین و مأیوس گردند و نظام جامعه از هم فروپاشد (قادرزاده و ساروی، ۱۳۸۴، ص ۸)؛ از این‌رو، علی<sup>(ع)</sup> با محوریت فرهنگ‌سازی بر روش ساده زیستی، مساوات، قانون‌مداری و نظارت دقیق بر عوامل اجرایی حکومت خویش، بازگشت به موازین قرآن و سنت رسول اکرم<sup>(ص)</sup> و احقاق حقوق اجتماعی ملت را در دستور کار خود قرار دادند؛ برای نمونه، وقتی امام<sup>(ع)</sup> در جنگ جمل، هنگام شهادت یکی از یارانش به نام «زیدبن صوحان» بر سر بالینش رسید، از میان تمام خصائل وی، ساده‌زیستی وی را ستود (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۹).

علی<sup>(ع)</sup> مدیری بود که با وجود خزانه‌داری بیت‌المال، تنها به تکه حصیری برای انجام امور اکتفا می‌کرد (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ص ۱۲۱؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۷۳). ابن فهد حلی آورده است: «سویدبن غفله می‌گوید: روزی خدمت امام علی<sup>(ع)</sup> رسیدم، در آن ایام که همه‌ی مردم با حضرت علی<sup>(ع)</sup> بیعت کرده بودند و امام<sup>(ع)</sup> خلیفه مسلمین بود. دیدم بر روی حصیر کوچکی نشسته و چیز دیگری در آن خانه وجود ندارد. عرض کردم: یا امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>! بیت‌المال مسلمین در اختیار شماست و چیزی را که این خانه نیاز دارد، نمی‌بینم. علی<sup>(ع)</sup> فرمود: ای سویدبن غفله! کسی که در راه است در مسافرخانه‌ای که زود از آنجا منتقل می‌شود، ابزار و وسایل فراوانی تهیه نمی‌کند. ما به‌زودی از این دنیا می‌رویم و به خانه‌ی آخرت رهسپار می‌گردیم که بهترین کالای ما آنجاست» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ص ۱۲۱).

علت نبود نفع‌خواهی شخصی و قدرت‌طلبی امیرمؤمنان و همچنین اکتفا به کمترین امکانات موجود در مسیر احقاق حقوق ملت، آن است که اگر مدیری با ثروت کلان در جامعه فعالیت کند، آنگاه این پرسش در ذهن مردم به وجود می‌آید که یک مدیر حکومت اسلامی این همه ثروت را از کجا آورده است که در نتیجه، این امر از سویی زمینه‌ی بی‌اعتمادی مردم به مدیران را به بار می‌آورد و از سوی دیگر، فرهنگ مدیریت‌طلبی برای بهره‌مندی از منافع شخصی را گسترش می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۸۳۲). بر اساس این، علی<sup>(ع)</sup> پیوسته دنیای ناپسند را نکوهش می‌کردند (سید رضی، ۱۳۹۲، ص ۴۸۹، ۴۸۰، ۴۸۰، ۵۱۰، ۷۶، ۵۰، ۳۴۷).

#### ۴-۱-۲. مقابله با تبعیض و فرهنگ رانت‌خواری

مبارزه با تبعیض و رانت‌خواری در میان برخی اقشار جامعه، از عرصه‌های دیگر اخلاق اقتصادی در سیره‌ی امام علی<sup>(ع)</sup> برای مدیریت جامعه است. معیار برتری افراد بر یکدیگر در اندیشه و نظام فکری و منطق علوی، میزان ایمان آنان است و هیچ قوم و قبیله و نژادی بر اقوام و نژادهای دیگر برتری ندارد. این رفتار اخلاق‌مدارانه‌ی امام<sup>(ع)</sup> در روایت ذیل دیده می‌شود: «زنی قرشی از حجاز به کوفه آمد تا سهم بیشتری از علی<sup>(ع)</sup> برای خود مطالبه کند و چون وارد کوفه شد، به زن پارسی‌زبان که تازه در کوفه ساکن شده بود، برخورد کرد و چون از مقدار عطا و جیره‌ی او از بیت‌المال پرسید، متوجه شد که عطا آن زن نیز مطابق با بهره و عطا خود اوست. با ناراحتی آن زن پارسی را برداشت و به نزد علی<sup>(ع)</sup> آورد و درحالی‌که صدایش را بلند کرده بود، گفت: آیا این از عدالت است که میان من و این کنیز فارسی یکسان عمل می‌کنی؟ امام<sup>(ع)</sup> نگاهی به آن زن کرد و مشتی از خاک برداشت و به آن خاک نگریست و در دست خود آن خاک را گرداند و فرمود: این خاک اجزای آن بر یکدیگر برتری ندارد؛ سپس آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی حجرات را تلاوت فرمود» (قرشی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۹).

علی<sup>(ع)</sup> حتی میان خویشان خود با مردم نیز تفاوت قائل نبود و از بیت‌المال، به عبدالله بن جعفر در عین تنگدستی بسیار نداد (ابن هلال ثقفی، ۱۳۷۱، ص ۳۶) و هنگامی که دخترش گردنبندی را از بیت‌المال به عاریت برد، کاتب خود را توبیخ کرد (ورام، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴-۳)؛ از این رو، پیوسته خطاب به بیت‌المال می‌فرمود: «در روز قیامت شهادت بده که من از مال مسلمانان در تو نگاه نداشتم» (همان، ص ۳۳). این عدالت و شیوه‌ی امامی است که خطاب به مردم کوفه فرمود: «ای مردم کوفه! اگر من از نزد شما رفتم و زیاده از مرکب و خورجین و غلامی که داشتم، همراه خود بردم، من خیانت‌کار خواهم بود» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۴۳۱).

#### ۴-۱-۳. نظارت همیشگی و دقیق بر رفتارهای اقتصادی برای جلوگیری از فساد اقتصادی

از عرصه‌های دیگر اخلاق‌مداری مدیریتی امام<sup>(ع)</sup> در حوزه‌ی اقتصادی و مالی، تنگ کردن عرصه بر سودجویان و مفسدان اقتصادی به وسیله‌ی توبیخ و نظارت دقیق بر رفتار کارگزاران و بازار ملت‌های مسلمان بود. نظارت، نکوهش و توبیخ احتکارگران و سرزنش و مقابله با تجاری که خودسرانه برای منافع شخصی، کالای و ارزاق عمومی را گران می‌کردند و اخلاق اقتصادی و کسب‌وکار را رعایت نمی‌کردند، وجهه‌ی همت او بود (سید رضی، ۱۳۹۲، ص ۴۳۸). در دید امام<sup>(ع)</sup> این اعمال، انحراف از مرز عدالت به سوی ستم و جور است که علاوه بر آثار سوء آن برای مردم، نقصی

برای فرمانروایان و مدیران جامعه به‌شمار می‌رود؛ زیرا قانون عدالت به دست آنان اجرا می‌شود (ابن میثم، ۱۳۷۵، ص ۱۱۶۸). در منطق امام<sup>(ع)</sup>، اگر مدیران امور اقتصادی جامعه مرتبی به تربیت الهی باشند، بر تربیت عمومی مردم تأثیر مستقیم دارند.

علی<sup>(ع)</sup> برای جلوگیری از فساد اخلاقی مدیران، از سویی با استفاده از روش موعظه و نصیحت و ترساندن مدیران از عواقب شوم فساد اخلاقی در امور اقتصادی، آنان را به دوری گزیدن از رانت خواری و کسب مال حرام تشویق می‌کردند (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۱۹) و از سوی دیگر، با نظارت دقیق بر رفتار آنان، بازار مسلمین (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۷۰۲) و توبیخ کارگزاران و والیان خطاکار (سید رضی، ۱۳۹۲، ص ۴۱۵ و ۴۱۲)، سد محکمی را در برابر سودجویان و مفسدان اقتصادی برای تحقق عدالت اقتصادی ایجاد کردند.

آن حضرت برای نظارت بر مفاصد اقتصادی و کاهش آن و برای مدیریت مبتنی بر اخلاق در امور اقتصادی، دستورالعمل‌هایی را نیز به بازاریان و تاجران ارائه می‌داد و می‌فرمودند: «بیش از هر چیز، باید از خداوند طلب خیر کنند و برکت را در آسان‌گیری بجویند و به مشتریان نزدیک شوند و خود را به زیور بردباری بیاریند و از سوگند خوردن دست بردارند و از ظلم و حق‌کشی بترسند و با مظلومان انصاف ورزند و به رباخواری نزدیک نشوند و پیمان‌ها و ترازو را کامل گردانند و کالای مردم را کم ندهند و در زمین دست به تباهی و فساد نزنند» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۴۹)؛ همچنین خیرخواهی و توجه به بازرگانان به‌عنوان تأمین‌کننده‌ی معاش مردم را به فرمانداران و کارگزارانشان گوشزد (سید رضی، ۱۳۹۲، ص ۴۳۸) و همراهی با مفسدان را به‌شدت محکوم می‌کردند؛ بنابراین، امام علی<sup>(ع)</sup> به مناسبت‌های گوناگون، به بیان ملاک‌ها و آثار اخلاق‌مداری مدیران در حوزه‌ی اقتصادی پرداخته و در مقام عمل نیز، خود همواره بدان پایبند بوده است.

#### ۴-۲-۴. عرصه‌های اخلاق اجتماعی مدیر از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup>

##### ۴-۲-۱. تأکید بر حفظ کرامت نفس آحاد مردم

از عرصه‌ها و جلوه‌های دیگر اخلاق‌مداری مدیران در دیدگاه امام<sup>(ع)</sup>، بازگرداندن کرامت و اعتماد به نفس مردم به‌وسیله‌ی حق اظهارنظر، انتقاد سازنده و آزادی بیان در جامعه‌ی اسلامی، پرسش‌گری و مطالبه‌گری است. مشورت کردن امام علی<sup>(ع)</sup> با مردم در بسیاری از امور و درعین‌حال، پذیرش انتقادات آنان سبب می‌شد که حس کرامت نفس در میان مردم زنده شود. از نظر امام<sup>(ع)</sup> مشورت کردن با مردم و شرکت دادن آنان در تصمیم‌گیری‌ها نه تنها کمک می‌کند که والیان و مدیران از خطا در امان بمانند، بلکه به حس کرامت نفس در آنان منجر می‌شود (همان، ص ۳۳۵). در چنین جامعه‌ای، هریک از مردم احساس می‌کند که خود صاحب حکومت است، احساس هویت و کرامت می‌کند و وجود خود را در پیشبرد اهداف جامعه مؤثر می‌داند (همان، ص ۲۳۱).

بدین منظور، امام علی<sup>(ع)</sup> در اولین اقدامات پس از نشستن بر مسند حکومت، به برقراری مجلسی عمومی در مسجد برای حل و فصل مشکلات مردم بدون حضور سپاهیان و محافظان حکومتی اقدام کرد؛ همچنین به منظور راحتی و از بین بردن اضطراب مردم، کارگزاران و مدیران خود را نیز به رعایت این مهم فرمان می‌داد (همان، ص ۴۳۹). امام علی<sup>(ع)</sup> خوب می‌دانستند که مردم با سخن گفتن و انتقاد کردن، ضمن



اینکه از یک حق مسلم سیاسی - اجتماعی بهره می‌برند، بسیاری از عقده‌های آنان فرومی‌ریزد و با از بین رفتن زمینه‌های اعمال و رفتار ناهنجار در جامعه، راهکارهایی برای بهبود وضعیت و امور به وقوع می‌پیوندد. در این زمینه، زنی که شوهر خود را در خلافت علی<sup>(ع)</sup> و در جنگ ازدست داده بود، از رسیدگی اندک آن حضرت به خانواده‌ی خویش گله کرد و ایشان نیز برای دل‌جویی، نیازهای آن زن و فرزندان وی را برطرف ساخت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۵۲). از سوی دیگر، سوده همدانیه روزی برای عرض شکایت خدمت امیرمؤمنان می‌رود و علی<sup>(ع)</sup> با عطف و مهربانی، شکایت او را بررسی و کارگزار خود را که در حق وی ظلم کرده بود، عزل می‌کند (قرشی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۰۷). این رفتار امام<sup>(ع)</sup> و بسیاری از رفتارهایی از این قبیل، بارزترین جلوه‌ی اخلاق در اداره‌ی امور جامعه‌ای است که بر محور حق حرکت می‌کرد و حمایت‌کننده‌ی حقوق اجتماعی افراد می‌شد.

#### ۴-۲-۴. مقابله با هنجارشکنان اجتماعی در کنار انتقادپذیری

آزادی بیان در نظام علوی تا حدی است که مخالفین حضرت با وجود پیمان‌شکنی تا زمانی که به‌طور علنی و آشکارا علیه حقانیت نشوریده‌اند، اجازه‌ی بهره‌مندی از امکانات جامعه را داشتند. در نمونه‌ای، روزی علی<sup>(ع)</sup> بر منبر مسجد کوفه وعظ و خطابه می‌فرمود که مردی از خوارج بلند شد و گفت: خدا او را بکشد چه دانشمندی است. علی<sup>(ع)</sup> با آنکه سخن او را شنید؛ اما متعرض او نشد و همانند دیگر مردم جامعه، بهره‌ی او را از بیت‌المال به‌طور کمال پرداخت کرد (شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۷۸). امام<sup>(ع)</sup> در برابر توهین دیگران تا زمانی که در امنیت جامعه خللی ایجاد نشده بود، با آنان برخورد نمی‌کردند (طبرسی، ۱۹۸۳، ص ۲۲۷)؛ اما در برابر انحراف از حق و سوق دادن مردم به باطل، به شدت واکنش نشان می‌دادند. نمونه‌ی آن پاسخ قاطع به برج‌ن مسهر طائی است (سید رضی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۸). علی<sup>(ع)</sup> همچنین حق پرسش‌گری را در کنار مطالبه‌گری مردم محفوظ می‌دانستند (همان، ص ۲۳۱) و به پرسش‌های مردم پاسخ می‌دادند و خود نیز از مردم می‌خواستند تا از او سؤال کنند (طبرسی، ۱۹۸۳، ص ۲۶۱). این‌ها و ده‌ها برابر آن نمونه‌های عینی و عملی رعایت اخلاق از سوی امام علی<sup>(ع)</sup>، به‌عنوان حاکم و مدیر جامعه و ازجمله فرمان‌ها و دستورهای اخلاقی ایشان به مدیران و فرمانداران است.

جامعه‌ای که مدیران آن اخلاق‌مدار نیستند و توان شنیدن انتقاد را ندارند، در انجام اصلاحات جامعه ناتوان و به ظلم و فساد نزدیک‌ترند، درحالی‌که حکومت علوی مخاطبان خود را به بیان صریح حق و ذکر مشکلات فردی و اجتماعی برای تحقق عدالت اجتماعی تشویق می‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۲۶۹)؛ زیرا حکومتی که انتقاد را حق مردم خویش می‌داند، علاوه بر اجرا و پایبندی به قانون، خود را از آفات درازمدت قانون‌شکنی حفظ می‌کند؛ زیرا بستن راه انتقاد نتیجه‌ای جز بی‌عدالتی در پی ندارد (جعفری، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۷۷۳-۷۷۲). این در حالی است که آزادی بیان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه‌ای است که نهادها، اعتقادات و ارزش‌های آن به فرد امکان می‌دهند که او شخصاً به زندگی خویش سامان بخشد و به انتخاب‌های عاقلانه دست بزند (جونز و فولادوند، ۱۳۸۹، ص ۳).

درنتیجه، مشارکت دادن مردم در ارائه‌ی نظر، مشورت با آنان و پاسخگویی به شبهات ایشان،

ایجاد روحیه‌ی پرسش‌گری و امکان مطالبه‌گری در آنان، سبب افزایش اعتماد به نفس در مردم و تربیت اجتماعی می‌شود و به بهبود و رفع مشکلات جامعه کمک می‌کند.

## ۵. آثار تربیتی اجتماعی اخلاق‌مداری مدیران در سیره‌ی امام علی<sup>(ع)</sup>

در بیان و آموزه‌های امام علی<sup>(ع)</sup> به‌عنوان امام و حاکم عادل و اخلاق‌مدار، آثار و نتایج فراوانی برای اخلاق‌مداری و اخلاق‌گرایی مدیران در اداره‌ی امور جامعه ذکر شده است. سیره‌ی رفتاری امام<sup>(ع)</sup> نیز نشان‌دهنده‌ی این است که امام<sup>(ع)</sup> خود اولین عامل به این توصیه‌های اخلاقی بوده و در همه‌ی مراحل زندگی شخصی و همچنین دستورات حکومتی خود بدان‌ها پایبند بوده است. برخی از مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از: افزایش روحیه‌ی نشاط و امید به زندگی، افزایش رفاه و رشد اقتصادی، گرایش بیشتر مردم به دین‌داری، اعتدال در گفتار و رفتار، مدیریت مبتنی بر ایثار، احساس مسئولیت و وظیفه نسبت به مردم، شفاف بودن با توده‌ی مردم و ولی‌نعمت دانستن آنان، جانب حق را در همه‌ی امور رعایت کردن، اعتمادسازی در میان مردم، به عهد و شعارهای خود عمل کردن، خودکنترلی و خودمدیریتی، رازداری و اجتناب از افشای اسرار دیگران، پرهیز از رفتارهای متکبرانه و خشونت‌آمیز، اجتناب از منت نهادن و تحقیر کردن دیگران، پرهیز از مردم‌گریزی، دوری جستن از سوءظن نسبت به مردم و پرهیز از افراط و تفریط در اداره‌ی امور جامعه و... به سبب طولانی بودن و فراوانی این آثار و نتایج، در ادامه سه مورد از آثار اخلاق‌مداری مدیر بررسی می‌شود که هم ناظر بر مشکلات جامعه‌ی کنونی است و هم از نظر نویسندگان این مقاله می‌تواند ناظر به همه‌ی نتایج دیگر نیز باشد و از نظر تربیتی اجتماعی اهمیت فراوان دارند.

### ۵-۱. افزایش حس نشاط و امید به زندگی

افزایش حس نشاط و امید به زندگی در میان مردم یکی از نتایج اخلاق‌مداری مدیران در اداره‌ی امور جامعه است که بسیاری از نتایج دیگر اخلاق‌مداری می‌تواند زیرمجموعه‌ی این اثر باشد. نشاط اجتماعی به احساسات مثبت فرد و رضایت خاطر او از زندگی مربوط می‌شود (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۶)؛ یعنی ارزیابی مثبتی را در پی دارد که فرد در آینده‌ی زندگی خود مایل است برای او رخ دهد (صفری شالی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷). این موضوع به‌طور مستقیم با روان افراد مرتبط است؛ زیرا شادکامی، نشاط و امید به زندگی، احساس خوشبختی و خرسندی پایدار از مجموع زندگی و مثبت‌گرایی به آن را به دنبال خود دارد (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۲). از دیدگاه دین، رضایت الهی و تلاش برای آخرت از اصلی‌ترین عوامل شادی به شمار می‌آید، به‌گونه‌ای که تحقق اهداف الهی در دنیا عامل مهمی در بروز آن است (یعقوبیان و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۲-۱۱). بر اساس آموزه‌های علوی، اخلاق‌مداری مدیران می‌تواند در ایجاد، حفظ و ارتقای بهداشت روانی افراد و در افزایش حس نشاط و امید به زندگی نقش مهمی داشته باشد.

در اندیشه‌ی امام علی<sup>(ع)</sup> شادی، نشاط و شادابی در زندگی، حالتی عاطفی است که به «فرصت» تعبیر شده است (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۸). اهمیت شادابی در زندگی مردم از دیدگاه امام تا بدان جاست که حتی در هنگام ناراحتی‌ها هم توصیه شده است که انسان حزن و اندوهگینی خود

را در دل نهان کند و در چهره بشاش باشد؛ بنابراین امام می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ بِشَرِّهِ فِي وَجْهِهِ وَ حَزْنُهُ فِي قَلْبِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۳۰۵). در روایت دیگری، بشاشت و شادابی سبب جذب قلوب مردم و رفتن کینه‌ها معرفی شده است: «إِنَّ أَحْسَنَ مَا يَأْلَفُ بِهِ النَّاسُ قُلُوبَ أَوْلَادِهِمْ وَ نَفْسًا بِهِ الصُّغْنُ عَنْ قُلُوبِ أَعْدَائِهِمْ حُسْنُ الْبِشْرِ عِنْدَ لِقَائِهِمْ وَ التَّقَفُّدُ فِي عَيْبَتِهِمْ وَ الْبَشَاشَةُ بِهِمْ عِنْدَ حُضُورِهِمْ (همان، ج ۷۵، ص ۵۷)؛ گشاده‌رویی بهترین راه برای نفوذ در دل دوستان و زدودن کینه از دل دشمنان است. هنگام ملاقات و جویا شدن از روی مهر و محبت از حال آنان در موقع غیبت و شادی و خوشحالی هنگام حضور و آمدنشان.»

در اندیشه‌ی امام<sup>(ع)</sup>، خشنودی به قضای الهی و پذیرش تقدیرات خداوند، یکی از عوامل شاد زیستن مردم است (همان، ج ۷۱، ص ۱۹۵)؛ بنابراین می‌فرماید: «سُرُورُ الْمُؤْمِنِ بِطَاعَةِ رَبِّهِ وَ حَزْنُهُ عَلَى ذَنْبِهِ» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۰۰). روشن است که این روایات عموم مردم را شامل می‌شود؛ اما به طریق اولی، مدیران و زمامداران جامعه را در برمی‌گیرد؛ زیرا گفتار، رفتار و تصمیمات آنان در زندگی مردم نقش مستقیم دارد؛ بنابراین، مدیر متقی سبب شادی و نشاط در زندگی مردم می‌شود. در دوران حکومت امام علی<sup>(ع)</sup>، نامه‌های فراوانی (نامه‌ی ۹، ۱۰، ۱۷، ۲۸، ۳۰ و...) برای معاویه ارسال شده است تا دست از حکومت مستبدانه‌ی خود بردارد و از شیوه‌ی حکومتی دست بکشد که بر مبنای ناامنی، بی‌عدالتی، فساد و تبعیض طبقاتی و از بین بردن نشاط و شادابی زندگی مردم است؛ زیرا حکومت‌های استبدادگر و خودکامه با از بین بردن حق بیان، بی‌توجهی به نیازهای افراد و آزادی‌های فردی، شرارت، بی‌رحمی و بی‌اعتنایی به ارزش‌ها و حقوق شهروندان را به بار می‌آورند (والتر، ۱۳۷۹، ص ۶۷-۶۶). درحالی‌که در شیوه‌ی حکومتی علی<sup>(ع)</sup>، بر رعایت حقوق متقابل رعیت و حاکم برای رسیدن به یک حکومت آرمانی تأکید می‌شد (سید رضی، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳) تا به این ترتیب، آثار سوء ناهنجاری و کج‌روی‌های اجتماعی را از میان بردارد که از بین برنده‌ی آرامش روانی، اعتمادهای متقابل، خوش‌بینی، نگاه مثبت به آینده، شادابی و امیدواری به زندگی است (رکنی و طاهری، ۱۳۹۰، ص ۱۰).

از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup>، رعایت و توجه به مسائل اخلاقی همچون داشتن روحیه‌ی همکاری، تعاون، خیرخواهی نسبت به همدیگر، اصلاح فردی و اجتماعی، مقدم دانستن منافع و مصالح جامعه بر منافع شخصی و خانوادگی، داشتن ارتباط سالم و سازنده با دیگران، صمیمیت با مردم، آگاهی از خود و محیط و تلاش برای حل مشکلات زندگی بر اساس آموزه‌های شریعت جایگاه مهمی در ایجاد آرامش و حس نشاط و امید به زندگی در میان مردم دارد (شجاعی، ۱۳۸۹، ص ۵)، به‌گونه‌ای که بدین منظور، تلاش‌های بی‌وقفه آن حضرت و مدیران آراسته به اخلاق ایشان سبب شد تا در اواخر حکومت خویش بیان دارند: امروز، احدی در کوفه شب را به صبح نمی‌رساند، مگر آنکه با یک زندگی راحت، شاداب و آرام نان گندم می‌خورند و خانه دارند و از آب گوارای (فرات) می‌نوشند (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۹).

بنابراین، تلاش مدیران برای حل مشکلات و بهبود اوضاع جامعه و رسیدن صاحبان حق به حقوق خویش، از مصادیق اصلی امید به زندگی و نشاط عمومی جامعه است (سید رضی، ۱۳۹۲، ص ۵۱۳)؛ زیرا

شادی و نشاط در رعایت حقوق از سوی همه‌ی مردم و به‌ویژه مدیران و والیان جامعه است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۲۳). بر اساس آموزه‌های دینی، پیامد مثبت اخلاق‌مداری مدیر، علاوه بر زندگی مردم، آخرت مدیر و حاکم جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۹۱)؛ در نتیجه، هراندازه مدیران نظام اسلامی برای رفع مشکلات مردم قدم بردارند، به همان اندازه اعتماد ملی را به حکومت جلب می‌کنند و مردم نیز با دیدن رفع موانع در زندگی و شادمانی و امید به ادامه‌ی حیات در جامعه‌ی اسلامی، بیشترین توانایی خود را در کشور به کار خواهند بست؛ زیرا ثمره‌ی تلاش خود و تعهد مسئولان در فراهم آوردن زندگی در سایه امنیت و آسایش را به زیبایی مشاهده می‌کنند.

## ۵-۲. افزایش رفاه و رشد اقتصادی جامعه

افزایش رفاه و رشد اقتصادی در جامعه از نتایج دیگر اخلاق‌مداری مدیران در اداره‌ی امور جامعه، از دیدگاه آموزه‌های علوی است. رفاه و رشد اقتصادی خانواده‌ها و فزاینده‌تر از آن در یک جامعه، با مؤلفه‌هایی چون توانایی تأمین حداقل معاش، داشتن عزت‌نفس و آزادی انتخاب رابطه‌ی مستقیمی دارد (بختیاری به نقل از تودارو، ۱۳۸۰، ص ۱۰). در نظام علوی، عامل اصلی این رشد، انگیزه‌ی مردم برای حرکت به سوی آینده است؛ ازاین‌رو، ایجاد روحیه نشاط و امید به زندگی، عامل محرک رشد اقتصادی می‌شود (داودی، ۱۳۸۳، ص ۱).

امام علی<sup>(ع)</sup> خود نیز در کنار اقدامات عدالت‌گرایانه در اداره‌ی امور حکومت و ایجاد روحیه‌ی نشاط اجتماعی، به عمران و آبادانی شهرها می‌پرداخت؛ ازاین‌رو، با کار و تلاش مردم در حرفه‌های خویش در کنار مشارکت فعالان اقتصادی با صاحبان ثروت برای منافع اقتصادی ملت، زمینه‌ی رشد روزافزون اقتصاد کشور را فراهم می‌کرد، اقتصاد ناب و پاکی که بر اساس موازین اسلام رقم می‌خورد (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۸۱). شایسته‌ی یادآوری است که اگر مدیران و فرمانداران متخلق به اخلاق اسلامی نباشند، ممکن است ثروت را میان افراد خاصی دست‌به‌دست و به رانت‌خواری اقدام کنند، در این صورت، نه تنها سبب رونق اقتصادی نمی‌شود، بلکه اقتصاد در قبضه‌ی قدرت افراد خاصی می‌چرخد و فقیران روزبه‌روز فقیرتر و ثروتمندان روزبه‌روز غنی‌تر می‌شوند و در نتیجه، شکاف طبقاتی ایجاد می‌گردد. مدیریت اخلاق‌مدار علی<sup>(ع)</sup> مدیریتی بود که پیوسته مردم را به کار و تحصیل معاش (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۲، ص ۱۶۹-۱۶۵) و بر آبادانی زمین و شهرها از طریق دام‌پروری و کشاورزی تشویق می‌کرد (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۴۳) و کسی را نکوهش می‌نمود که با وجود بهره‌مندی از آب و خاک در فقر زندگی می‌کرد (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۱۱۵). علی<sup>(ع)</sup> که خود اسوه‌ی کار و تلاش و جلوه‌ی آشکار اخلاق‌مداری بود، برای تأکید بر فرهنگ کار و تلاش حتی در دوره خلافت، از دسترنج کشاورزی خویش در مدینه به‌منظور تأمین معیشت خود و خانواده بهره می‌برد (مغنیه، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۲۶-۱۲۵). با کوشش فراوان قنات حفر می‌کرد و برای رفاه اجتماعی و آبادانی زمین آن را وقف می‌نمود (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۳، ص ۴۶۱)؛ ازاین‌رو، خطاب به مدیران خویش می‌فرمود: «برتری حکمران در آبادانی شهرهاست» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۵۷).

از سوی دیگر، منطق اخلاق‌مدار علوی برای هنر و حرفه‌ی آدمی اهمیت ویژه‌ای قائل بود (طبرسی، ۱۳۸۴، ص ۶۲) تا به این ترتیب، به‌وسیله‌ی سیاست‌های صحیح اقتصادی، تولید ثروت

بیش‌ازپیش شود (شجاعی و مردانی، ۱۳۹۴، ص ۵)، ثروتی که بخش مهم آن به‌وسیله‌ی صنعتگران و تجار حکومت ایجاد و ازاین‌رو موجب حمایت دولت می‌گشت (سید رضی، ۱۳۹۲، ص ۴۳۸). نکته‌ی مهم اینکه به‌کارگیری نیروی جوان داخلی سبب افزایش رونق تولیدات داخلی، سامان یافتن معیشت مردم و درنهایت، با گردش چرخ اقتصاد کشور به عمران و آبادانی شهرها منجر می‌گردد، درحالی‌که نگاه عکس به این موضوع و وابستگی خارجی در اقتصاد، وابستگی سیاسی و اخلاقی، استیلا‌ی غیرمسلمانان بر مسلمانان و فاسد کردن فرهنگ اسلامی را در پی دارد (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۷۳۹). بخش عمده‌ای از کمک به تولید و آبادانی شهرها هم به‌وسیله‌ی مصرف صحیح مالیات و سیاست‌های عادلانه‌ی این امر به وقوع می‌پیوست (سید رضی، ۱۳۹۲، ص ۴۳۶) تا به این ترتیب، از ویرانی زمین‌ها، فقر جسمی و روانی مردم و درنهایت، شورش علیه حکومت جلوگیری به عمل آید (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۳۱-۳۰).

نظام اخلاق‌مدار علوی رشد اقتصادی را ناشی از سیاست‌های عادلانه توزیع درآمد، نظارت دقیق بر کارگزاران و مقابله با سودجویان می‌داند، به‌گونه‌ای که آحاد مسلمین از منافع ملی به‌طور یکسان بهره می‌برند (رسولی محلاتی، ۱۳۹۱، ص ۳۶۹ - ۳۶۸). توجه به اخلاق در منظومه‌ی حکومتی علوی حکم می‌کرد که ایشان حتی مخارج پیروان سایر ادیان را که در کشور اسلامی زندگی می‌کردند و توانایی پرداخت هزینه‌ی خویش را نداشتند، از طریق بیت‌المال تأمین کند (صدر، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۹۸). بنابراین، در صورتی‌که مدیران جامعه بر اساس مبانی اخلاقی عمل نمایند و در اداره‌ی حکومت و جامعه، اخلاق را مبنای همه‌ی امور قرار دهند، رشد و رفاه اقتصادی در جامعه ایجاد می‌شود، در چنین جامعه‌ی اخلاق‌محوری، منفعت‌طلبی شخصی نفی و نفع‌خواهی ملی و مصلحت‌ملت طلب می‌شود، در چنین جامعه‌ای، با تلاش و کوشش فراوان در عرصه‌های پیشرفت اقتصادی برای مشارکت دادن مردم و انجام اقدامات بازدارنده‌ی مخمل اقتصاد ملی، اقتصاد رشد می‌کند و فقر، فساد و شکاف طبقاتی رو به نابودی می‌نهد.

### ۵-۳. گرایش مردم به دین‌داری

افزایش گرایش مردم به دین‌داری و زیبا جلوه دادن دین نزد مردم، از دیگر آثار اخلاق‌مداری مدیران در منظومه‌ی فکری و اندیشه‌ی ناب علوی است. این موضوع در حکومت علوی بسیار نمایان بود؛ زیرا علی<sup>(ع)</sup> به‌عنوان رهبری عدالت‌خواه و متخلق به اخلاق دینی، همواره به‌گونه‌ای رفتار می‌کرد تا دین الهی در زمین گسترش یابد. رفتار او به‌گونه‌ای بود که عرب و عجم را به دین خدا جذب می‌کرد؛ زیرا جلوه‌ی عملی دین‌داری و اخلاق‌مداری را در رفتار علی<sup>(ع)</sup> می‌یافتند. نمونه‌ی عملی این مسئله را می‌توان در روایتی مشاهده کرد. مطابق این روایت، معاویه زنی را از طرفداران علی<sup>(ع)</sup> احضار کرد. آن زن در پاسخ معاویه مبنی بر علت حب علی<sup>(ع)</sup> و علاقه‌ی وی به امام علی<sup>(ع)</sup> گفت: به دلیل آنکه او عادل و طرفدار مساوات است و فقرا را دوست می‌دارد، درحالی‌که تو خونریزی می‌نمایی، میان مسلمانان اختلاف می‌افکنی، در قضاوت ظلم می‌کنی و مطابق هوای نفس خویش عمل می‌نمایی. ملک و سلطنت تو را می‌فریبید؛ اما او را غافل نمی‌کند. تو بیت‌المال مسلمین را به حراج می‌گذاری؛ اما او هیچ‌گاه آن را به ناحق صرف نمی‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۲۶۰)

در سیره‌ی علوی، موارد فراوانی از رفتار اخلاق‌مدارانه‌ی علی<sup>(ع)</sup> مشاهده می‌شود که به جذب مردم به دین‌داری و افزایش گرایش آن به دین منجر می‌گردد. این رفتارهای امام علی<sup>(ع)</sup>، به‌عنوان الگو و اسوه‌ای برای مدیران جامعه‌ی امروز نیز است؛ برای نمونه، رفتار امام<sup>(ع)</sup> در مشایعت کردن کافر ذمی و تأثیر سخنان و عمل آن حضرت در مسلمان شدن او (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۷۰)، حمایت از فعالیت ایرانیان برای رضای خداوند و برخورد با سستی اعراب (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۴، ص ۳۱۹)، معاشرت محبانه با مردم به‌ویژه مردمان ایران زمین (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۲۸، ج ۱۱، ص ۱۶۷)، برخورد با اخلاص‌گران فرهنگی و فکری (عبدالمحمدی، ۱۳۸۰، ص ۵) و... سبب می‌شد تا محبت مردم و بزرگداشت آن حضرت به‌وسیله‌ی این اعمال صالح و اوصاف نیک (نقوی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۰۵)، بیش‌ازپیش و جذب به دین افزون گردد. بنابراین، مدیر نیک‌سیرت و دارای خلق نیکو نیز، با تبعیت از رفتارهای امیرمؤمنان در جذب قلوب مردم نقش اساسی دارد (هاشمی خوئی، ۱۳۵۸، ج ۶، ص ۹۳)؛ زیرا هنگامی گرایش مردم به دین‌داری تأثیرگذار است که هیچ‌گونه اثری از خواهی ناپسند از جمله خودستایی، خودبینی، خودپسندی، خودنمایی، طمع یا حسد در قلب انسان نباشد (امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup>، ۱۳۶۰، ص ۲۵۵). نمونه‌ی عملی اخلاق‌مداری امام علی<sup>(ع)</sup> در جذب مردم به دین‌داری را در رفتار ایشان با غلام خود قنبر می‌توان دید. امام باقر<sup>(ع)</sup> در این باره می‌فرماید: روزی علی<sup>(ع)</sup> به بازار پارچه‌فروش‌ها آمد و به مردی فرمود: «دو جامه به من بفروش.» آن مرد گفت: ای امیرمؤمنان! آنچه مطلوب شماست، نزد من است. چون پارچه‌فروش امیرمؤمنان را شناخت، [از او خرید نکرد و] گذشت، نزدیک [فروشنده] جوانی ایستاد و دو جامه خرید، یکی را به سه درهم و دیگری را به دو درهم. آنگاه به قنبر فرمود: «ای قنبر! تو این جامه را که به سه درهم خریدم، بردار.» قنبر گفت: شما بدان سزاوارترید، منبر می‌روید و برای مردم سخنرانی می‌کنید. علی<sup>(ع)</sup> فرمود: «تو جوانی و خواسته‌های جوانی داری و من از پروردگارم خجالت می‌کشم که خود را بر تو مقدم بدارم» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ص ۱۸۲).

همان‌گونه که در این نمونه نشان داده شد، امام<sup>(ع)</sup> با این رفتار اخلاق‌مدارانه‌ی خود، سبب جذب و گرایش بیشتر قنبر شده است.

درنتیجه، به میزانی که مدیران در راه خدمت به مردم تلاش کنند و مردم نیز آثار این مجاهدت را در زندگی خویش مشاهده نمایند، به همان میزان بر کارآمدی نظام دین‌مدارانه و قوانین اسلام اعتماد و به این سبب پایه‌های زندگی خویش در کشور را مستحکم می‌کنند و از پناهندگی به فکر، اعتقاد، روش و منش بیگانگان دست می‌کشند؛ به‌عبارت‌دیگر، اصل کارآمدی یک نظام دین‌مدارانه به اصل دین‌داری مدیران و کارگزاران آن جامعه بازمی‌گردد که درنتیجه، هراندازه به دین عمل شود، چرخه‌ی زندگی مردم نیز به همان اندازه خواهد چرخید و سبب گرایش به دین خواهد گشت.

### نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گفته شد، روشن می‌شود:

الف. اخلاق‌مداری و پایبندی به اصول اخلاقی از دیدگاه سنت و سیره‌ی علوی لازمه‌ی کار اجرایی است و مدیران و زمامداران برای رشد و شکوفایی جامعه و تداوم حکومت باید به اصول

مبانی اخلاقی معتقد باشند.

ب. جلوه‌های اخلاق‌مداری در سنت و سیره‌ی مدیریتی امام علی<sup>(ع)</sup> در ابعاد گوناگونی قابل‌بررسی است. از دید امام<sup>(ع)</sup>، دو عرصه‌ی اقتصادی و اجتماعی از مهم‌ترین زمینه‌های رعایت اخلاق برای یک مدیر است. رعایت اخلاق مدیریتی در این دو حوزه، اهمیت بالاتری نسبت به حوزه‌های دیگر دارد و می‌تواند در همه‌ی زوایای زندگی مردم جلوه‌گر شود و پایبندی به اخلاق از سوی مدیران و زمامداران در این دو حوزه می‌تواند در دیگر حوزه‌ها تأثیرگذار باشد. برخی از این عرصه‌ها عبارت‌اند از: زیست ساده و بدون تکلف، مقابله با تبعیض و فرهنگ رانت‌خواری، نظارت همیشگی و دقیق بر رفتارهای اقتصادی برای جلوگیری از فساد اقتصادی، تأکید بر حفظ کرامت نفس آحاد مردم، مقابله با هنجارشکنان اجتماعی.

ج. از دیدگاه امام<sup>(ع)</sup>، پایبندی به اخلاق از سوی زمامداران نتایج و آثار بسیاری به بار می‌آورد. برخی از مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از: افزایش روحیه‌ی نشاط و امید به زندگی، افزایش رفاه و رشد اقتصادی، گرایش بیشتر مردم به دین‌داری، اعتدال در گفتار و رفتار، مدیریت مبتنی بر ایثار، احساس مسئولیت و وظیفه نسبت به مردم، شفاف بودن با توده‌ی مردم و ولی‌نعمت آنان، جانب حق را در همه‌ی امور رعایت کردن، اعتمادسازی در میان مردم، به عهد و شعارهای خود عمل کردن، خودکنترلی و خودمدیریتی، رازداری و اجتناب از افشای اسرار دیگران، پرهیز از رفتارهای متکبرانه و خشونت‌آمیز، اجتناب از منت نهادن و تحقیر کردن دیگران، پرهیز از مردم‌گریزی، دوری جستن از سوءظن نسبت به مردم و پرهیز از افراط و تفریط در اداره‌ی امور جامعه.

## منابع

• قرآن کریم.

• ابراهیم زاده، بیت‌الله؛ آرام، هاشم؛ پناهی، بهنام؛ «بررسی نشاط اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد واحد پارس‌آباد مغان»؛ مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۸۹ ش.

• ابن‌ابی‌الحدید؛ شرح نهج‌البلاغه؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۸ ق.

• ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن‌علی؛ تحف‌العقول؛ محقق: علی‌اکبر غفاری؛ چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.

• ابن‌فهد حلی، احمدبن‌محمد؛ عدة‌الداعی و نجاح‌الساعی؛ محقق: احمد موحدی قمی؛ بی‌جا: دارالکتب‌الاسلامی، ۱۴۰۷ ق

• ابن‌مسکویه، احمدبن‌محمد؛ تهذیب‌الاخلاق و تطهیر‌الاعراق؛ اصفهان: مهدوی، بی‌تا.

• ابن‌میثم بحرانی، کمال‌الدین؛ شرح نهج‌البلاغه؛ ترجمه‌ی محمدصادق عارف؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵ ش.

• ابن‌هلال ثقفی، ابواسحاق ابراهیم؛ الغارات؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ ش

• احمدی میانجی، علی؛ مکاتیب‌الأئمه‌علیهم‌السلام؛ محقق: مجتبی فرجی؛ قم: دارالحدیث، ۱۴۲۶ ق.

• احمدی، علی‌اصغر؛ «عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه زمینه‌ها، موانع و دستاوردها»؛ معرفت، شماره ۱۷۱، ۱۳۹۰ ش.

• اربلی، علی‌بن‌عیسی؛ کشف‌الغمه؛ ترجمه‌ی علی‌بن‌حسین واره‌ای، تهران: اسلامی، ۱۳۸۱ ق.

• امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup>؛ مصباح‌الشریعه؛ ترجمه‌ی حسن مصطفوی؛ تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ ش.

• آمدی، عبدالواحدبن‌محمد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ محقق: سید مهدی رجائی؛ چاپ دوم، قم: دارالکتاب اسلامی، ۱۴۱۰ ق.

• باباپور گل‌افشانی، محمد مهدی؛ حاکمیت و حکمرانی در نهج‌البلاغه؛ قم: مرکز بین‌المللی نشر المصطفی، ۱۳۹۲ ش.

• بحرانی، سید هاشم‌بن‌سلیمان؛ حلیة‌الابرار فی احوال محمد و آله‌الاطهار علیهم‌السلام؛ قم: مؤسسه‌المعارف‌السلامیه، ۱۴۱۱ ق.

• بختیاری، صادق؛ «عدالت و توسعه از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup>»؛ پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۳۰، ۱۳۸۰ ش.

• برقی، احمدبن‌محمد؛ المحاسن؛ چاپ دوم، قم: دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.

• پسندیده، عباس؛ «بررسی و تحلیل شادکامی از منظر قرآن»؛ مطالعات تفسیری، شماره ۱۰، ۱۳۹۱ ش.

• تقوی، سید رضا؛ نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی مدیریت، ۱۳۶۸ ش.

• جاحظ، عمروبن‌بحر؛ تهذیب‌الاخلاق؛ تصحیح ابراهیم‌بن‌محمد؛ مصر: دارالصحابه للتراث، ۱۴۱۰ ق.

• جعفری زندی، یعقوب؛ سلیمان‌پور، مسلم؛ «ویژگی‌های اخلاقی مدیر اسلامی از منظر نهج‌البلاغه»؛ اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری، <https://civilica.com/doc/445881>، ۱۳۹۴ ش.



- جعفری، محمد مهدی؛ پرتوی از نهج البلاغه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- جعفری، محمد تقی؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه؛ چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- جمعی از نویسندگان؛ علی<sup>(ع)</sup> و فتنه‌ها، چاپ دهم، تهران: قدر ولایت، ۱۳۹۵ ش
- جونز، پیتر؛ فولادوند، عزت‌الله؛ «چرا آزادی بیان؟» دادنامه، شماره ۶، ۱۳۸۹ ش
- جوهری، اسماعیل؛ الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی؛ الحیاة؛ ترجمه‌ی احمد آرام؛ تهران: فرهنگ، ۱۳۸۰ ش.
- حمیری، عبدالله بن جعفر؛ قرب الاسناد؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۳ ق.
- خامنه‌ای، سید علی؛ انسان ۲۵۰ ساله؛ قم: ایمان جهادی، ۱۳۹۰ ش.
- داودی، محمدرضا؛ «امید و نقش تربیتی آن در زندگی»؛ معرفت، شماره ۸۳، ۱۳۸۳ ش.
- دری نوگورانی، حسین؛ «استراتژی بازدارندگی در سیره‌ی علوی»؛ آینه پژوهش، شماره ۶۶، ۱۳۷۹ ش.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- دیرباز، عسگر؛ «عدالت اقتصادی در کلام و سیره‌ی علی<sup>(ع)</sup>»؛ روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۲۷، ۱۳۸۰ ش.
- دیلمی، حسن بن محمد؛ اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین؛ محقق: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ محقق: صفوان عدنان داوودی؛ بیروت-دمشق: دار القلم-دار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- راوندی، قطب‌الدین سعید؛ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه؛ تصحیح سید عبدالسیف کوه‌کمری، قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۴ ش.
- رسولی محلاتی، سید هاشم؛ زندگانی امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>؛ چاپ هجدهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
- رکنی، محمد مهدی؛ طاهری وحدتی، حسین؛ «امام علی<sup>(ع)</sup> و مدیریت در مناسبات اجتماعی»؛ پژوهش‌های نهج‌البلاغه، شماره ۳۲، ۱۳۹۰ ش.
- سید رضی، محمد بن حسین؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه‌ی حسین استاد ولی؛ چاپ هشتم، تهران: اسوه، ۱۳۹۲ ش.
- شجاعی حقیقی، مریم؛ مردانی گلستانی، مهدی؛ «مؤلفه‌های مدیریت اقتصادی امام علی<sup>(ع)</sup> با تأکید بر نهج‌البلاغه»؛ حدیث حوزه، شماره ۱۵، ۱۳۹۴ ش.
- شجاعی، محمد صادق؛ «مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روانی در نهج‌البلاغه با تأکید بر کار و فعالیت اقتصادی، روابط اجتماعی و کارکرد حکومت»؛ مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال چهارم، شماره ۶، ۱۳۸۹ ش.
- شوشتی، محمد تقی؛ بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.
- صدر، محمد باقر؛ اقتصاد ما (درس‌هایی درباره‌ی مکتب اقتصادی اسلام)؛ ترجمه‌ی ع. اسپهبدی؛ تهران: اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
- صدوق، محمد بن علی؛ الخصال، محقق: علی‌اکبر غفاری؛ ترجمه‌ی مرتضی مدرس گیلانی؛ تهران: جاویدان، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ نثر الالکی؛ ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی؛ چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۴ ش.

- عبدالمحمدي، حسين؛ «سیره ی امام علی (ع) تساهل و تسامح»؛ معرفت، شماره ی ۴۱، ۱۳۸۰ ش.
- عسکریان، مصطفی؛ سازمان و مدیریت آموزش و پرورش؛ تهران: امیرکبیر (چاپ سوم فرهنگی)، ۱۳۸۰ ش.
- فتال نیشابوری، محمدبن احمد؛ روضة الواعظین و بصیرة المتعظین؛ قم: رضی، ۱۳۷۵ ش.
- فیض کاشانی، ملامحسن؛ الحقایق فی محاسن الاخلاق؛ ترجمه ی حمیدرضا صادقی؛ تهران: آیت اشراق، ۱۳۴۹ ش.
- \_\_\_\_\_؛ الوافی؛ اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
- قادرزاده، مژگان؛ ساروی، پریچهر؛ «جامعه مطلوب از دیدگاه امام علی (ع)»؛ معرفت، شماره ی ۹۵، ۱۳۸۴ ش.
- قاضی زاده، کاظم؛ حکومت نامه امام علی (ع)؛ قم: معارف، ۱۳۸۳ ش.
- قرشی، باقر شریف؛ حیاه الامام موسی بن جعفر علیهما السلام (دراسة و التحلیل)؛ بیروت: دارالبلاغه، ۱۴۱۳ ق.
- \_\_\_\_\_؛ حیاه الامام حسن بن علی علیهما السلام (دراسة و التحلیل)؛ بیروت: دارالبلاغه، ۱۴۱۳ ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- ... (۱۴۲۹ ق)، الکافی، قم: دارالحدیث.
- لیثی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ؛ ترجمه ی حسین حسینی بیرجندی؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ محقق: جمعی از محققان؛ چاپ دوم، بیروت: دارا حیا التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محمدی ری شهری، محمد؛ موسوعه الامام علی بن ابیطالب (ع)؛ قم: دار الحدیث، ۱۴۱۲ ق.
- مغنیه، محمدجواد؛ در سایه سار نهج البلاغه؛ قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- مفید، محمدبن محمد؛ الاختصاص؛ محقق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام امام؛ قم: امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۹۰ ش.
- موحدی، رامین؛ ملکوتی هشتجین، سید حسین؛ رنجبری، ابوالفضل؛ «اصل برابری و عدم تبعیض در برخورداری از تأمین اجتماعی در حکومت اسلامی»؛ پژوهش های اخلاقی، سال نهم، شماره ی ۴، ۱۳۹۸ ش.
- میدانی، عبدالرحمن بن حسن؛ الاخلاق الاسلامیه و اسسها؛ دمشق: دارالقلم، ۱۴۲۰ ق.
- نراقی، احمدبن محمد؛ معراج السعاده؛ قم: دارالکرامه، ۱۳۸۹ ش.
- نقوی، سید محمدتقی؛ مفتاح السعاده فی شرح نهج البلاغه؛ تهران: مکتبه المصطفوی، بی تا.
- نوری، حسین بن محمدتقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ ق.
- والتر، اوداینیک؛ یونگ و سیاست؛ ترجمه ی علیرضا طیب؛ تهران: نی، ۱۳۷۹ ش.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی؛ مجموعه ورام؛ قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.
- هاشمی خوئی، میرزا حبیب الله؛ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه؛ تصحیح سید ابراهیم میانجی؛ چاپ چهارم، تهران: مکتبه الاسلامی، ۱۳۵۸ ش.
- یعقوبیان، محمدحسن؛ یعقوبیان، فاطمه؛ کلانتری، مهرداد؛ «بررسی شادی از منظر دین و روان شناسی»؛ مجموعه مقالات کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی، دوره ی دوم، شماره ی ۳، ۱۳۹۴ ش.